



## Examining the views of enlightened religious thinkers regarding the doubt of the minimal comprehensiveness of the quran with an emphasis on the thoughts of the mohandes bazargan

Hasan Ali Noruzi <sup>1</sup>  
Hossein Moghaddas <sup>2</sup>

### Abstract

One of the important issues regarding the cognition of the Quran is the scope of its comprehensiveness. This issue has been the concern of scientists since the beginning of Islam, and some of them have occasionally addressed this issue under the title of human expectation from religion. In general, the viewpoints regarding the realm of religion and the comprehensiveness of the Qur'an can be divided into three main viewpoints; Minimum, moderate and maximum. Some enlightened religious thinkers, with the idea of minimal comprehensiveness, have expressed doubts about the scope of the prophet's mission and the Qur'an. They consider the realm of religion and the Qur'an to be the answer to religious issues only and limited to the affairs of the hereafter (God and the resurrection). They think even the worldly reformation of human life to be far from God's affair. And they consider the arrangement of people's lives by the prophets as a form of lowering the position of the prophets to the level of political and social elites. The claims and reasons of religious intellectuals do not agree with what is in the Qur'an and religious texts on various issues of human life, including political, economic, cultural, social, legal, etc., and their intellectual reasons are also against their ideas. This article uses a library method and a descriptive analytical approach with the aim of examining the views of some religious intellectuals with an emphasis on the thoughts of Mohandes Bazargan regarding the comprehensiveness of the Qur'an, with clear reasons in order to reject the aforementioned doubt, about the convergence, alignment and the clear presence of the Qur'an with human life in this world. It has also discussed the involvement of the Quran and religion in the guidance of people and defended the moderate approach. And by presenting various arguments from religious verses and traditions, it has come to the conclusion that religion and the Quran are not only the answers to religious issues and to regulate the relationship between human being and God, but rather, many of the worldly human affairs and issues, including government, law and politics, social justice, fighting against oppression and arrogance, and the rules of benefiting from the existence and natural system, etc., are in the domain of religion and the Qur'an.

**Keywords:** Comprehensiveness of the Quran, Religious Intellectuals, Doubt about the Lack of Comprehensiveness, Mohandes Bazargan.

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Interpretation, University of Qur'anic Sciences and Knowledge, Malayer, Iran (corresponding author) | h.noruzi@quran.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Interpretation, University of Noble Qur'an Sciences and Knowledge, Malayer, Iran | m.kor82@yahoo.com





## بررسی دیدگاه روشن فکران دینی در باب شبهه جامعیت حد اقلی قرآن با تأکید

### بر اندیشه‌های مهندس بازرگان

حسنعلی نوروزی<sup>۱</sup>

حسین مقدس<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

### چکیده

مسئله جامعیت قرآن یکی از مباحث مهم در باب شناخت قرآن محسوب می‌شود. این مسئله از صدر اسلام مورد توجه دانشمندان بوده است و برخی از دانشمندان گاهی با عنوان انتظار بشر از دین، به این مسأله پرداخته‌اند؛ به طور کلی دیدگاه‌ها در باب قلمرو دین و جامعیت قرآن را می‌توان به سه دیدگاه عمده تقسیم کرد؛ دیدگاه حد اقلی، دیدگاه اعتدالی و دیدگاه حد اکثری. برخی روشن فکران دینی با طرح ایده جامعیت حد اقلی، شبیهاتی را درباره قلمرو رسالت پیامبران و قرآن بیان کرده‌اند؛ آنان قلمرو دین و قرآن را پاسخ‌گویی مسائل عبادی و محدود به امور اخروی (خدا و معاد) می‌دانند و حتی انجام کارهای اصلاحی دنیایی مردم را، دور از شأن خداوند دانسته و سر و سامان دادن امور زندگی مردم توسط پیامبران را، نوعی تنزل دادن مقام پیامبران به نخبگان سیاسی و اجتماعی می‌دانند. ادعاهای و دلایل روشنفکران دینی با آنچه که در قرآن و متون دینی در مسائل مختلف زندگی بشر اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و غیره وجود دارد همخوانی ندارد و دلایل عقلی نیز برخلاف ایده آنهاست. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی تحلیلی با هدف بررسی دیدگاه برخی روشن فکران دینی با تأکید بر اندیشه‌های مهندس بازرگان در باب جامعیت قرآن، با دلایل روشن در راستای رد شبهه مذکور، از همگرایی و همسویی و حضور آشکار قرآن با زندگی بشری در این دنیا سخن گفته و از دخالت قرآن و دین در امور هدایتی مردم و رویکرد اعتدالی دفاع کرده است و با ارائه دلایلی مختلف از آیات و روایات دینی به این نتیجه می‌رسد که دین و قرآن نه تنها پاسخ‌گویی مسائل عبادی و تنظیم کننده رابطه انسان با خدا است که بسیاری از امور و مسائل دنیوی انسانها اعم از حکومت، حقوق و سیاست، عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم و استکبار و قواعد بهره‌مندی از نظام هستی و طبیعی و... در حوزه قلمرو دین و قرآن است.

**واژه‌های کلیدی:** جامعیت قرآن، روشنفکران دینی، شبهه عدم جامعیت، مهندس بازرگان.

<sup>۱</sup> . استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ملایر؛ ایران (نویسنده مسئول) | h.noruzi@quran.ac.ir

<sup>۲</sup> . استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ملایر؛ ایران | m.kor82@yahoo.com

## ۱. بیان مسئله

مسئله جامعیت قرآن از ویژگی‌های دین خاتم و یکی از مباحث مهم و نوپیدای دین‌پژوهی مدرن و انسان معاصر است که امروزه بخشی از مباحث فلسفه دین و کلام جدید را به خود اختصاص داده است و هریک از دانشمندان با نگاهی خاص، پاسخ‌های گوناگونی به این مسأله و ابعاد مختلف آن داده‌اند. در این مهم برخی با طرح برخی از سئوالات و شبهات در صدد نفی جامعیت قرآن بوده و تلاش در اخروی نشان دادن از آن دارند. سؤال اصلی پژوهش این است که؛ جامعیت قرآن چگونه تبیین می‌شود؟ قلمرو جامعیت قرآن در پاسخ‌گویی به نیازهای بشری تا کجاست؟ دیدگاه روشنفکران دینی و به خصوص مرحوم بازرگان در این باره چیست؟ این مسئله بیشتر با تمرکز بر روی واژه قرآن از صدراسلام مورد توجه صحابه پیامبر اکرم (ص)، مفسران و دانشمندان اسلامی بوده است. دیدگاه‌های مختلف در باب قلمرو دین و قرآن را در یک نگاه کلی می‌توان به سه دیدگاه عمده تقسیم کرد؛ «دیدگاه حدّ اقلی»، «دیدگاه اعتدالی» و «دیدگاه حدّ اکثری» (قرا ملکی، ۱۳۸۷ ش: ۶۰۹-۶۱۸؛ خسرو پناه، ۱۳۹۳ ش، ج ۳: ۳۴؛ ایازی، ۱۳۸۰ ش: ۵۹-۸۲). براساس دیدگاه «حدّ اقلی»، قلمرو قرآن در امر خدا و آخرت محدود گردیده و انجام کارهای اصلاحی دنیایی مردم، دور از شأن خدای انسان و جهان و نوعی تنزل دادن مقام پیامبران به نخبگان سیاسی و اجتماعی تلقی شده است. دیدگاه «اعتدالی» رسالت و قلمرو دین و بخصوص قرآن را، امور مربوط به هدایت و سعادت انسان دنبال می‌کند و هر آنچه مربوط به این مسئله می‌شود را جزو وظایف تبیینی دین می‌شمارد؛ اما نظریه «دین حدّ اکثر» جامع‌نگر بوده و معتقد است دین عهده دار بیان همه مسائل دنیوی و اخروی، علمی و عملی مردم است؛ قائلان به آن برآنند که دین و آموزه‌های آن در این زمینه هیچ قصوری ندارد (خسرو پناه، ۱۳۹۳ ش، ج ۳: ۳۴؛ کلاتری، ۱۳۸۶ ش: ۷۲؛ پیروزمند، ۱۳۸۹ ش: ۱۳۱-۱۳۲). نظریه دین حدّ اقلی، امروزه میان روشنفکران و نواندیشان دینی رواج دارد. که این مقاله با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی تحلیلی با هدف بررسی و نقد دیدگاه برخی روشن‌فکران دینی، بخصوص آراء و اندیشه‌های مهندس بازرگان، از ایده‌کسانی که از همگرایی و همسویی دین و دنیا در امر هدایت‌گری و به سعادت رساندن مردم سخن گفته‌اند دفاع کرده است.

قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع تبیین و تعیین قلمرو دین، به اشکال مختلف بر جامعیت دین پرداخته است که روشن‌ترین آنها آیاتی است سخن از فلسفه نزول قرآن و تبیین اهداف و رسالت پیامبران الهی عهده دار بوده‌اند و از مهمترین اهداف نزول قرآن و رسالت اصلی پیامبران الهی، هدایت و رساندن به مقام قرب الهی است. اساسی‌ترین محورهای هدایتی دین و قرآن عبارت‌اند از: چگونگی ارتباط انسان با آفریدگار جهان، رابطه او با هستی خویش و چگونگی رابطه او با جهان هستی و انسانهای دیگر؛ چرا که حیات انسان از دو بعد مادی و معنوی (جسمی و روحی) تشکیل شده و هر یک نیز ویژگی‌ها و نیازهای خاصی دارند، نیازهای عقلانی و اخلاقی از قبیل؛ عدالت، راستی، معرفت و... نیازهای طبیعی و غریزی از قبیل؛ خوراک، پوشاک، مسکن و... نیازهای عاطفی و احساسی از قبیل؛ انس و الفت، محبت، دوستی، تعاون و همکاری و... دین پاسخ‌گویی همه این نیازهای بشری است و در همه حوزه‌های معرفتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی دارای مکتب و سیستم منسجم و منظمی است.

## ۲. مفهوم دین

واژه دین در لغت به معنای اطاعت، جزا، خضوع، تسلیم و... است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰ق: ۲۸۰) و گفته شده به معنای کیش، وجدان، داوری و آیین به کار رفته است (معین، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۵۹۷) دهخدا نیز معتقد است لفظ دین از زبان آرامی به زبان عربی وارد شده است (دهخدا، بی تا، ج ۷: ۱۰۴۲).

کاربردهای این واژه در قرآن به معنای اعتقادات (بقره/۸)، اطاعت (زمر/۱۱)، جزا و پاداش، (حمد/۳ و ذاریات/۵ و ۶)، ملک و سلطنت (بقره/۱۹۳)، قانون و شریعت (کافرون/۶) و تسلیم شدن (آل عمران/۷) به کار رفته است و در روایات به معنای آیین (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ح ۶۱۸۳: ۹۴۵)، آیین حق (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۷۷، ح ۴۰: ۴۱۸) و تدین و اعتقاد (آمدی، ۱۴۰۷ق، ح ۱۲۵۵) به کار رفته است.

دین در تعریف اصطلاحی یعنی «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه‌ی انسانی و پرورش انسانها باشد؛ گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه حق باشد آن را دین حق و

در غیر این صورت آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می‌نامند. پس دینی که مجموع حق و باطل باشد، دینی باطل است؛ زیرا مجموع خارج و داخل، خارج محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش: ۱۱۱). ایشان دین را مکتبی با مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات اجرایی می‌داند که با هدف راهنمایی انسان برای سعادت‌مندی تشریح شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰ش: ۲۴) یا برخی گفته‌اند: «دین، عبارت است از مجموعه حقایق و ارزش‌هایی که از طریق وحی یا الهام یا هر طریق قطعی دیگر مانند عقل برای هدایت و سعادت انسانها بر پیامبران نازل می‌شود» و «دین اسلام» عبارت است از؛ مجموعه‌ای از عقاید، احکام و اخلاق (همان مجموعه حقایق و ارزشها) که خداوند متعال، به وسیله منابع و ابزارهایی چون: کتاب، سنت، عقل و فطرت، برای هدایت و سعادت انسانها بر پیامبر اسلام (ص) نازل کرده است (خسروپناه، ۱۳۹۳ ش: ۴۴).

یکی از واژه‌هایی که با کلمه دین به لحاظ مفهومی قرابت دارد واژه شریعت است که در لغت، به معنای محل آب خوردن است (فیومی، ۱۴۲۵ش: ۳۱۰). شریعت در کاربرد قرآنی اخص از دین بوده به معنای راه و روشی است که خداوند برای هر یک از امت‌های پیامبران مقرر کرده است. چنان که می‌فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَثَابًا» (مائده/۴۸). شریعت به فرد نسبت داده نمی‌شود، مگر این که خود، واضع آن باشد. مثل شریعت موسی (ع) و عیسی (ع) و... نسبت شریعت خاص به دین، مثل نسبت احکام جزئی به اسلام است... و گاهی به احکام عملی نیز شریعت اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۸۵ش: ۴۲).

### ۳. مفهوم روشنفکر

روشنفکر؛ واژه «روشنفکر» در زبان فارسی، معادل واژه Intellectual در زبان فرانسوی، aufklärer در زبان آلمانی، intelligentsia و enlightenment در زبان انگلیسی و واژه‌های متنور، منورالعقل، مفکر و مثقف در زبان عربی است (معلم، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۱۰۴۲) در ادبیات فارسی واژه «روشنفکر» کلمه‌ای است مرکب از دو واژه «روشن» و «فکر» که ترکیبی وصفی به حساب می‌آید. در این ترکیب وصفی، واژه «روشن» به عنوان وصف و واژه «فکر» به عنوان موصوف به کارفته است. در لغتنامه دهخدا نیز به نقل از فرهنگ فارسی

معین آمده است که روشن فکر، صفت مرکب است و معنای (لغوی) آن عبارت‌اند از کسی که دارای اندیشه روشن است (دهخدا، ۱۳۴۶ ش، ج ۲۶: ۱۷۱).

#### ۴. مفهوم روشنفکری دینی

روشنفکری دینی یا نواندیشی دینی به انگلیسی (Religious Intellectualism) تفکر و شاخه‌ای خاص از روشنفکری به معنای عام آن است که مرکز توجه آن را روشنگری دینی، تشکیل می‌دهد. اندیشمند وابسته به این نحله فکری، روشنفکر دینی گفته می‌شود. میان روشنفکری دینی و روشنفکر دینی و جایگاه و شان آن مناقشه وجود دارد. پیشینه روشن فکری در ایران، به نهضت مشروطیت بازمی‌گردد و تا امروز، در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، بازی‌گری کرده‌است.

#### ۵. پیشینه موضوع

مسئله جامعیت دین و قرآن و قلمرو آن از صدر اسلام مورد توجه دانشمندان بوده است و تاکنون کتب و آثاری فراوانی به‌طور عام و یا خاص در این موضوع تدوین شده است. عمده تفاسیر فریقین به مناسبت آیات مربوط به جامعیت، بدین بحث پرداخته‌اند که در این مجال به برخی تالیفاتی که تناسب بیشتری به موضوع دارند، معرفی می‌شوند:

۱) «شریعت در آئینه معرفت» (۱۳۸۱) تألیف آیت الله جوادی آملی که به مباحث مختلفی همچون حقیقت دین، ثبات و تغییر معرفت دینی پرداخته و در جهت پاسخ به شبهات دین شناسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت تدوین شده است.

۲) «مسائل جدید کلامی و فلسفه دین» (۱۳۹۳) اثر دکتر عبدالحسین خسرو پناه که در سه مجلد چاپ شده که به‌طور مفصل به مباحث مختلف جدید کلامی از جمله جامعیت دین و قرآن و نقد آراء و اندیشه‌های نو معتزلیان و روشنفکران دینی پرداخته است.

۳) «قرآن و قلمروشناسی دین» (۱۳۸۵) تألیف مصطفی کریمی که به کلیاتی از مباحث دین و قلمرو و ابعاد آن با نگاه برون دینی و درون دینی از دیدگاه قرآن پرداخته است.

- ۴) «قلمرو دین در تعیین مفروضات اساسی، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها» (۱۳۸۹) از آقای علیرضا پیروزمند که درباره خاستگاه دین، قلمرو و غایت دین و... سخن گفته است.
- ۵) «سیاست و حکومت در قرآن» (۱۳۸۹) از کاظم قاضی زاده که به قلمرو خاصی از جامعیت دین همچون مبانی حکومت، مشروعیت حکومت و مسائل سیاسی و اجتماعی از منظر قرآن بحث کرده است.
- ۶) «جامعیت قرآن از نگاه علامه طباطبائی» از سید معصوم حسینی، چاپ شده در پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۱۴.
- به هر روی در باب جامعیت دین یا قرآن مقالات زیادی به چاپ رسیده است؛ لیکن راجع به موضوع مقاله کار پژوهشی خاصی انجام نگرفته است و در نوع خود بدیع است.

#### ۶. دیدگاه‌ها درباره جامعیت قرآن

یکی از ویژگی‌های قرآن جامعیت است که از صدر اسلام تاکنون مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. آیات و روایات موجود در باب جامعیت، گرچه اندیشمندان و مفسران قرآن را به یک اتفاق اجمالی در این موضوع قرارداد؛ اما در تبیین و تعریف قلمرو جامعیت و چگونگی آن اختلافاتی در بین دانشمندان اسلامی دیده می‌شود؛ به اعتقاد روشنفکران دینی نیز، قرآن در بردارنده برنامه سعادت بشر و مهیمن بر سایر کتب آسمانی است؛ آنان همچون متکلمان و مفسران قرآن، کلیت دین و قرآن را مشتمل بر سه بخش عقائد، اخلاق و احکام می‌دانند هرچند در ابعاد و قلمرو دین تأملاتی دارند و منکر ورود دین به مباحث سیاسی اجتماعی و حکومت داری و امثال آن بوده و شاید به این دلیل هم تعاریف مختلفی از دین از سوی دانشمندان دینی بیان شده است. به نظر می‌رسد برای فهم این نکته که جامعیت قرآن به چه نحو می‌باشد باید به جامعیت دین نیز در این باب اشاره نمود. در این راستا سه رویکرد کلی مختلف وجود دارد که در ذیل بیان مختصری از دیدگاه‌های موجود ارائه می‌شود.

## ۶-۱. دیدگاه حداکثری

رویکرد حداکثری به دین، ریشه‌دارترین دیدگاه‌ها در باب جامعیت است که از صدر اسلام تا به امروز همواره در میان اندیشمندان و مفسران قرآن مطرح بوده و طرفداران بسیاری نیز داشته است و بیانگر آن است که قرآن و دین حاوی همه علوم و معارف بشری و پاسخ‌گوی تمام مشکلات علمی و فکری انسان بوده و سامان دهنده همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی برای دنیا و آخرت است. ابن مسعود از صحابه برجسته پیامبر اکرم (ص) و از حافظان و گردآوران مشهور قرآن، در این باره می‌گوید: «مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَتَوَرَّقِ الْقُرْآنَ، فَإِنَّ فِيهِ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» (زرکشی، ۲۰۰۱م: ۲۳) و طبری به نقل از ابن مسعود می‌گوید: خداوند در قرآن کریم همه علوم را نازل، و هر چیزی را برای ما بیان کرده است؛ زیرا خداوند در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴: ۹۰). برخی نیز همانند ابو حامد غزالی و جلال الدین سیوطی نیز معتقدند که قرآن کریم تمام علوم را دربر دارد و علوم اولین و آخرین از آن منشعب می‌شود (سیوطی، بی تا، ج ۴، نوع ۶۵: ۳۳).

## ۶-۲. دیدگاه اعتدالی

دیدگاه دیگری که در باب جامعیت از همان ابتدا در بین اندیشمندان اسلامی وجود داشت، تکیه آن بر هدایت‌گری قرآن بود؛ به این معنا که قرآن با هدف سعادت‌مندی و هدایت‌گری مردم نازل شده است و در این معنا از بیان هیچ نکته و مطلب ضروری دریغ نموده و در واقع در هدایت‌گری و ارشاد مردم به حق و سعادت جامع است. بنا بر نقل فیروز آبادی، ابن عباس از بزرگان صحابه پیامبر اکرم (ص) در باب جامعیت چنین دیدگاهی داشته و درت فسیر آیه ۸۹ سوره نحل می‌گوید: «(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ) جَبْرِيْلُ بِالْقُرْآنِ (تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ) مِنَ الْخَلَالِ وَالْحُرَامِ وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ (هدی) مِنَ الصَّلَاةِ (وَرَحْمَةً) مِنَ الْعَذَابِ (وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ) الْجَنَّةِ (فیروزآبادی، بی تا: ۲۹۹).

## ۶-۳. دیدگاه حداقلی

نظریه دین حداقلی، امروزه میان روشنفکران و نواندیشان دینی رواج دارد هرچند همه آنان هم نظرات یکسانی ندارند؛ برخی با انکار و حیانی بودن اصل قرآن، سخن از تاریخ‌مندی

آن را مطرح می‌کنند (ابوزید، ۱۳۸۰ش: ۶۸، ۵۰۵) و برخی نیز ضمن پذیرش تاریخی بودن بسیاری از گزاره‌های قرآنی، به نظریه ذاتی و عرضی بودن مسائل دینی سخن گفته‌اند (سروش، ۱۳۷۸ش: ۲۹) و برخی هم با نگاه سکولاریستی به دین و قرآن، به دیدگاه آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء تاکید دارند (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۳۵) و عده‌ای نیز ایده‌های دیگری را دنبال کرده‌اند (شبیستری، ۱۳۷۶ش: ۸۱۱) که هر یک، به نوعی در تحدید معنای جامعیت، به رویکرد حداقلی اشتراک نظر دارند. در عین حال اکثریت روشنفکران دینی، رسالت قرآن و هدف بعثت انبیا را دعوت به توحید و معاد و امور اخروی دانسته‌اند و بر این باورند که دین و قرآن به امور دنیوی و روابط دنیایی مردم کاری ندارند و رسیدگی نسبت به این امور به عقل و دانش بشری واگذار شده است. این رویکرد که مبتنی بر جدایی دین از دنیا، سیاست و حکومت و... است با واقعیت و هدف دین و همچنین محتوای متون دینی سازگاری ندارد.

### ۷. دیدگاه روشنفکران دینی در باب جامعیت قرآن

دیدگاه روشنفکران در باب جامعیت بر پایه انکار و حیانی بودن، تاریخی بودن یا با نگرش سکولاریستی به دین و قرآن بوده؛ چنین رویکردی منجر به دیدگاه حداقلی از رسالت دین و قرآن است. در اینجا با طرح دیدگاه مهندس بازرگان و رویکرد ایشان در مسئله جامعیت قرآن پرداخته می‌شود.

### ۷-۱. دو رویکرد متفاوت بازرگان در باب رسالت دین و قرآن

**رویکرد اول:** مهندس بازرگان در مقطعی از تاریخ، درباره فلسفه و هدف دین و قرآن قائل به جامعیت اعتدالی بوده، به نوعی به نقد رویکرد روشنفکران و تجدید طلبان می‌پردازد. شاید ایشان در آن زمان هنوز به مبانی محکم و روشنی در این باب نرسیده بودند یا متأثر از اندیشه‌های علمای اسلام و انقلابیون بود! چنان که می‌گوید: «اسلام برای کلیه اعمال شخص، دستوالعمل و روش معینی وضع کرده، اصولی را پیشاپیش مسلمانان قرار داده که می‌توان تمام افکار و احوال و اعمال خود را به سمت آن متوجه نمایند که در آن سعادت دنیا و نجات اخروی می‌باشد» (بازرگان، ۱۳۴۳ش، ج ۱۷: ۲۳) و در باب جامعیت حداقلی دین و پیوند دین با حکومت و سیاست می‌نویسد: «دین در زندگی و در اخلاق و عواطف و سیاست دخالت می‌کند

و هدف و جهت می‌دهد. دین فوق سیاست و حاکم بر سیاست است، نه ذیل آن و در ردیف آن... دین اصول سیاست و هدف حکومت را تعیین می‌کند؛ ولی وارد جزئیات نمی‌شود. مثلاً «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» و «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است. هدف و غرض از جنگ و فداکاری و انفاق باید خدا باشد؛ ولی از این مرحله که بگذریم، نوع جنگ با شمشیر باشد یا با... تابع زمان و مکان و تصمیم فرمانده با صلاحیت است، سیاست باید «الله» باشد... برخلاف تصور خیلی متجدد مآب‌ها هدف دین خیر و سعادت دنیوی تنها نیست، اخروی صرف هم نیست و اصولاً در قرآن سعادت و تأمین دنیا و آخرت از هم جدا نیست و با یکدیگر توأمند. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» ورود در سیاست به معنای اعم کلمه و بر طبق حدود و مرزهای فوق‌الذکر چون ضروری و ظاهراً واجب (عینی) است. بنابراین تدارک و توجه به مقدمات و شرایط و لوازم آن نیز واجب است. پس دین و سیاست (به معنای عرفی آن) نباید باهم مخلوط شوند؛ حفظ مرز لازم است» (بازرگان، ۱۳۴۱ ش: ۱۴۰) و در جای دیگر می‌گوید: «اسلام، دین آخرالزمان، جامع دنیا و آخرت و اداره کننده کلیه شئون حیاتی اعم از مادی و معنوی یا فردی و اجتماعی است» (بازرگان، بی تا: ۷۳).

این سخنان آقای بازرگان در ابتدای نهضت اسلامی است که بعضی مطالب آن مبهم و پاسخ‌گوی پرسش‌های امروز نیست و بعضی از دیدگاه‌های وی نیز با تحول همراه بوده است (قاضی زاده، ۱۳۸۹ ش: ۳۰). از آنجایی این رویکرد ایشان مربوط به اوایل انقلاب و متأثر از جریان غالب انقلابی اسلامی است، ایرادی بدان وارد نمی‌شود و معیار قضاوت، رویکرد اخیر ایشان است که بطور جدی قائل به جدای دین از سیاست بودند.

**رویکرد دوم:** بازرگان در تألیف دیگر خود، با چرخشی کامل از رویکرد گذشته، اظهار می‌دارد که سیاست و حکومت مورد توجه قرآن و دین قرار نگرفته است و معتقد است اصولاً دین کاری به حکومت ندارد؛ چرا که نبوت و حکومت دو مسئله با دو مشغله جداگانه است... و سپس می‌افزاید: حکومت و سیاست یا اداره امت و مملکت و ملت از دیدگاه دیانت و بعثت پیامبران، با سایر مسایل و مشاغل زندگی تفاوت اصولی ندارد و اگر اسلام و پیامبران به ما درس آشپزی و باغداری یا چوپانی نداده و به خودمان واگذار کرده‌اند تا با استفاده از عقل و تجربه و تعلیمات و با رعایت پاره‌ای احکام حلال و حرام شرعی، آن‌ها را انجام دهیم، امور

اقتصاد و مدیریت و سیاست هم به عهده خودمان است (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۲۹-۸۰). ایشان در سخنی عجیب می‌گویند: «حاکمیت از دیدگاه اسلام و معصومین (ع) نه از آن خودشان و نه از آن خدا، بلکه از آن امت و به انتخاب خودشان است» (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۴۰).

## ۲-۷. بازرگان و جامعیت حداقلی دین و قرآن

بازرگان از جمله شخصیت‌های روشن فکری است که با رویکرد به جامعیت حداقلی نسبت به رسالت پیامبران و قرآن، بر باور آخرت‌گرایانه به دین و قرآن تأکید دارد؛ هرچند ایشان در خصوص جامعیت قرآن یا دین تصریحی ندارند؛ ولی ایشان رسالت و قلمرو آیات قرآن را آخرت و خدا دانسته، درباره جدایی دین از دنیا و حکومت و سیاست و مانند آن، مطالب زیادی دارند که به خوبی دیدگاه ایشان در مسئله جامعیت را روشن می‌نماید. ایشان تصریح می‌نماید که آیات قرآن شامل تمام نیازها و مسائل و ابتلاهای انسان‌ها در تمام قرون و احوال بوده و پیامبران هم هیچ‌گاه چنین ادعایی نداشتند (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۳۵) و اگر بگوییم دین همه چیز را دارد... دچار بن بست خواهیم شد و مقصود از کتاب مبین در آیه «وَلَا زُطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام / ۵۹) علم خدا است که او همه چیز را می‌داند و قسمت اول آیه یعنی «وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ» نیز موید این نظر است (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۴۷۷).

## ۱-۲-۷. آخرت و خدا هدف بعثت انبیا

بازرگان معتقد است قرآن کریم هیچ‌کس را به بسیج مردم برای مبارزه با ظلم، استبداد و استکبار یا بسط عدالت و دیانت در دنیا فرا نخوانده است و آخرت و خدا تنها هدف بعثت انبیا بوده است (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۷۳) انجام کارهای اصلاحی و تکمیلی دنیا در سطح مردم دور از شأن خدای خالق انسان‌ها و جهان‌ها است (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۹۴؛ همان، ۱۳۷۷ش: ۳۷) و اگر آخرت و خدا را برنامه اصلی بعثت انبیا بدانیم و امر و اصلاح دنیا و وظیفه ادیان الهی نباشد، ایرادی ندارد که بگوییم در اصول و احکام، همه مسائل و مشکلات زندگی و دستورالعمل‌های جامع و کامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مورد نیاز جوامع وجود ندارد (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۲۳) و اهدافی جزئی دیگر مانند عدالت و اصلاح

جامعه و مبارزه با فساد، و ترویج علم و مبارزه با جهل، ترویج اخلاق و نوع دوستی و مواردی از این دست، همه در ذیل دو هدف اصلی آخرت و خدا قرار می‌گیرند (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۱۸). بدین روی، عمل و رسالت پیامبران در دو چیز خلاصه می‌شود: ۱). انقلاب عظیم فراگیر علیه خود محوری انسان‌ها، برای سوق دادن آن‌ها به سوی آفریدگار جهان‌ها؛ ۲). اعلام دنیایی آینده جاودان بی‌نهایت بزرگتر از دنیای فعلی. (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۹۳). مهندس بازرگان از این رویکرد خاص نسبت به رسالت انبیا، به تئوری جدایی دین از دنیا و مسائل آن می‌رسد و در این حوزه مباحث مختلفی را ارائه نموده است که به برخی اشاره می‌شود.

#### ۲-۲-۷. جامعیت حداقلی و نفی ضرورت حکومت

مهندس بازرگان در جاهای مختلفی از آثار خود، وجود ضرورت حکومت در متون دینی را منکر شده و معتقد است که سیاست و حکومت مورد توجه قرآن و دین و رسالت انبیای الهی قرار نگرفته است و اساساً دین کاری به حکومت ندارد و موضوع نبوت و حکومت دو مسئله جدا از هم‌دیگرند و ارتباطی بین آن‌دو وجود ندارد (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۲۹) و اگر به فرض روزی حکومت دینی به دست مؤمنان مخلص تشکیل شود، به هیچ وجه نباید نسبت به دین و ایمان و اخلاق مردم دخالت کند! (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۹۴). چنین رویکردی انکاری، به موضوع سیاست و حکومت از حوزه رسالت پیامبران که به نوعی تمام ملزومات زندگی دنیایی مردم را دربر می‌گیرد، بیانگر نگاه حداقلی مهندس بازرگان به مسئله جامعیت قرآن یا دین است.

#### ۳-۲-۷. جدایی دین از سیاست و حکومت

از آنجایی که بازرگان با نگاه حداقلی و به تعبیری سکولار به قرآن نظر دارد؛ لذا به صراحت می‌گوید مسئله حکومت و فرماندهی ملت‌ها با موضوع بعثت و رسالت پیامبران جدا است. تشکیل حکومت و فرماندهی ملت‌ها از طرف مردم بوده در حالی که بعثت و رسالت پیامبران به تشخیص و تصمیم خدا بوده و همیشه نیز با اکراه و انکار و مخالفت مردم مواجه گردیده است (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۸۵). از منظر بازرگان، آیات قرآن از جمله آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره / ۲۵۱) بیانگر آن است که دفاع مردم از

خودشان در برابر تجاوزهای دیگران، وظیفه‌ای است که بنا به مشیت خداوند حکیم، به عهده خود مردم گذاشته شده است تا از طریق استعدادهای جسمی و اکتساب‌های علمی و فکری که خداوند به آدمی داده، انجام دهند. (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۸۸). خداوند به حسب دلالت این آیه جلوگیری از ظالم و دفاع از امنیت و آبادی یا از دین و دیانت به عهده خود مردم نهاده و وعده نصرت و پیروزی را در همین حرکت مردم قرار داده است (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۲۴).

وی درباره رسالت قرآن و آموزه‌های دینی و جدایی آنها با حکومت و سیاست معتقد است: «آموزه‌های دین مربوط به امور آخرتی و سرنوشت انسان بعد از مرگ است؛ درحالی که قلمرو علم سیاست، زندگی دنیایی و چگونگی زندگی در اجتماع است؛ بنابراین، برقراری حکومت را جزو قلمرو وظایف (دین) انبیا دانستن، تنزل دادن آنان به حدود مارکس‌ها، گانندی‌ها و جمشیدی‌ها است (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۳۷).

ایشان با رویکرد حداقلی به دین می‌گویند: «قرآن کریم که ثمره و خلاصه دعوت و زبان رسالت است، نه تنها سفارش و دستوری برای دنیای ما نمی‌دهد، بلکه ما را ملامت می‌کند که چرا این اندازه به دنیا می‌پردازید و آخرت را که بهتر است و ماندگارتر، فراموش و رها می‌کنید» و برای اثبات مدعای خود به آیاتی از قرآن استناد می‌کند (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۶۰؛ همان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۱۲).

## ۸. دلایل بازرگان نسبت به جدایی دین از دنیا و مسائل آن

### ۸-۱. دلایل قرآنی

۱. قرآن به صورت‌های گوناگون مردم را از توجه به دنیا باز داشته و مکرر و با ترتیب خاص و هدفمند آنان را به سوی خدا و آخرت فراخوانده است؛ قرآن از یک سو با گفتن «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ» (قیامه / ۲۰ - ۲۱) و تکرار «بَلْ تُؤْتُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَنْتُمْ كَاذِبُونَ» (اعلی / ۱۶ - ۱۷)، از زمان حضرت ابراهیم (ع) تا خاتم الانبیا (ص) مردم را از چسبیدن زندگی دنیا و نزدیک نگرایی ملامت می‌نماید (بازرگان، ۱۳۸۸ش: ۲۷۸) و از طرفی بر توجه به خدا و معاد به‌عنوان هدف بعثت پیامبران تأکید دارد. (بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۶۰؛ همان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۷۱ - ۳۱۲).

۲. طبق بیان قرآن، از مراجعه بزرگان بنی اسرائیل به پیامبر وقت و استتکاف اولیه وی و سپس اجابت درخواستشان معلوم می‌شود که مسئله حکومت و فرماندهی ملت‌ها، از طرف مردم انجام می‌شود در حالی که بعثت و رسالت پیامبران به تشخیص و تصمیم خداوند است چنانکه در سوره بقره (بقره/ ۲۴۶-۲۵۱) به این پرداخته شد (بازرگان، ۱۳۸۸، ش: ۲۸۴).

۳. از مراجعه به نبی<sup>۱</sup> وقت برای تعیین پادشاه و عدم اعتراض او به اینکه با بودن من، چه احتیاجی به ملک دارید، معلوم می‌شود که نبوت و حکومت دو مسئله و مشغله جداگانه بوده و خداوند وظیفه حکومت و فرماندهی امت را به عهده رسولان قرار نداده و انطباق چنین رسالتی درباره حضرت خاتم پیامبران و حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام استثناء بوده و طبق گزارش‌های قرآن، اکثریت قریب به اتفاق انبیا مسؤولیتی در حکومت نداشتند. و معنای آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» این نیست که مردم را برای مبارزه با ظلم و استکبار و بسط عدالت در دنیا بسیج نمایند؛ بلکه خود مردم باید در اخلاق و رفتارشان عامل به عدالت و قسط باشند و کتاب و میزان هم راهنمای آنان باشد تا در اثر جهالت راهی را در پیش نگیرند که سبب دوری آنها از خدا و رضوان الهی گردد (بازرگان، ۱۳۸۸، ش: ج ۱۷: ۳۲۴)؛ پس این آیه هم دلالتی بر تشکیل حکومت و دخالت در سیاست از سوی پیامبران ندارد.

۴. آیاتی از قرآن بر مأمور بودن و موکل نبودن پیامبر (ص) دلالت دارد مانند: «و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم و تو وکیل آنان نیستی» (انعام/ ۱۰۷)؛ «تو جز هشداردهنده‌ای بیش نیستی» (فاطر/ ۲۳) و «بر پیامبر خدا وظیفه‌ای جز ابلاغ رسالت نیست و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارد می‌داند» (مائده/ ۹۹). براین اساس خداوند اراده کرده که آیین او از طریق اختیار و آزادی با حفظ کرامت انسانی انجام شود (بازرگان، ۱۳۸۸، ش: ج ۱۷: ۳۴۴) و از طرفی آیات دیگری از جمله آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» بیانگر آن است که دفاع مردم از خودشان در برابر تجاوزات دیگران، وظیفه‌ای است که بنا به مشیت خداوند حکیم، به عهده خود مردم گذاشته شده است تا از طریق استعدادهای جسمی و اکتساب‌های علمی و فکری که خداوند به آدمی داده، انجام دهند (بازرگان، ۱۳۸۸، ش: ج ۱۷: ۲۸۸). خداوند به حسب دلالت این آیه جلوگیری از ظالم و دفاع از امنیت و آبادی و یا از

دین و دیانت به عهده خود مردم نهاده و وعده نصرت و پیروزی را در همین حرکت مردم قرار داده است (همان: ۳۲۴).

۵. عدم تناسب اهداف انبیاء با امور دنیوی (حکومت و سیاست)؛ بر اساس آیات قرآن، هدف انبیا انقلاب عظیم علیه خود محوری و تبلیغ خدا محوری و اعلام دنیای آینده جاودان بی نهایت بزرگتر از دنیای فعلی بوده است... و ابلاغ پیام‌ها و انجام کارهای اصلاحی و تکمیلی دنیا در سطح مردم، دور از شأن خدای خالق انسانها و جهانها است (بازرگان، ۱۳۷۴ ش: ۴۸-۴۹ و ۶۲-۶۹) از مجموعه مطالب بازرگان به دست می‌آید آخرت و خدا هدف رسالت پیامبران بوده و مسئله دین و امور دنیا و حکومت سیاست دو مقوله جدای از هم بوده‌اند و چنین نگرشی بیانگر نگاه ایشان به موضوع جامعیت دین و قرآن است که قرآن در مسائل مربوط به دنیا و مسائل رسالتی ندارد و پرداختن بدان‌ها به خود مردم واگذار شده است.

## ۸-۲. دلایل روایی

### ۱. تغایر هدف دین و دنیا در روایات

بازرگان با استناد به ادعیه و روایات، در باب جامعیت حداقلی و این که هدف دین و قرآن، آخرت و خدا بوده است و دین در جهت تأمین معیشت دنیوی تکلیفی ندارد. ایشان با توجه به روایت پیامبر (ص) که فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» (حر عاملی، ق ۱۴۱۴، ج ۱۷: ۲۹) می‌گوید: از نظر اسلام دنیا و زندگی در آن سراسر سختی و تلاش است و کشتزاری است برای حرکت و برداشت حاصلی جهت حیات واقعی آخرت و پیامبران آمده‌اند تا ما را از زندگی برای زندگی موقت دنیا منصرف نمایند و به زندگی ما حیات بی‌نهایت ارزش بدهند (بازرگان، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۷: ۳۲۷) و «توجه به آهنگ عمومی ادعیه مأثوره که از توبه و امنیت صحبت می‌کند، امور شخصی مشروع به ندرت در ادعیه می‌آید و کمتر از آن، این که در قلب جمعی و رفع گرفتاری‌های عمومی یا سلامت و سعادت جمعی اخروی بیاید. مثلاً دعای پس از نماز در ماه رمضان، یکی صرفاً اعتلای به سوی خدا و دیگری در جهت محرومین و مستضعفین است... هدف دین، تربیت انسان‌های پرهیزگار و با معنویت است و پیامبران و اولیاء الهی در تلاش برای پیشرفت معنوی و حرکت از مسائل مادی به سوی اخلاق الهی بوده‌اند... هدف سیاست، تدبیر اجتماعی، آبادانی دنیا، تأمین رفاه و امنیت مردم است

(بازرگان، ۱۳۷۷ش: ۴۹-۴۸) و اگر رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲). من برانگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم و منظور از تکمیل مکارم اخلاق در جهت ایمان به خدا و تقرب به سوی خدا و تأمین سعادت و آخرت انسان است (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۳۲۲-۳۲۳).

### ۸-۳. سیره عملی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)

مهندس بازرگان با قبول واقعیت زندگی اجتماعی و سیاسی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) می‌گوید: گرچه در احادیث و کلمات پیامبران توصیه‌هایی در زمینه‌های مختلف زندگی وجود دارد، خطبه‌های نهج البلاغه و نامه‌های حضرت امیر (ع) ضمن این که شامل خداشناسی و دین‌شناسی و تعلیم و تربیت است، نسبت به اخلاق و روابط اجتماعی و مسائل حکومتی عنایت وافر دارد و حضرت رسول و امامان و بزرگان دین مانند هر انسان و بندگان مؤمن و برجستگان امت، علاوه بر وظایف رسالت و امامت، معلم و مصلح و موظف به خدمت و اعمال صالح بودند و در کنار وظایف نبوت و سوق دادن مردم به خدا و آخرت، هر جا که عهده‌دار کاری برای زندگی شخصی یا عمومی شده‌اند، به اصلاح و آموزش مردم و به دعوت به خیر یا امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند و به عنوان انسان مسلمان و خداپرست با ایمان مبادرت به خدمت و تربیت هم‌نوعان می‌کرده‌اند. تعلیماتی که از این نظرها داده‌اند، در عین ارزنده و ممتاز بودن، جزء دین و شریعت حساب نمی‌شود و مشمول «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم / ۴) نمی‌گردد (بازرگان، ۱۳۸۸ش: ۳۲۶-۳۲۷؛ همان، ۱۳۷۷ش: ۷۵-۷۶). خیلی معنادار است که مولای متقیان و امام اول شیعیان (ع)، ابتدا از بیعت و تقاضای قبول خلافت، استنکاف نموده، سپس می‌گوید، اگر از دحام شما و اصرارتان نبود، هیچ‌گاه به این امر رضایت نمی‌دادم و در دوران خلافت هم از مردم می‌خواهد که با مشورت و رهنمود دادن و انتقادات پیوسته، کمک کنند و این به معنای حاکمیت و انتخاب والی نه از سوی خدا که باید به دست امت و یا ملت انجام شود (بازرگان، ۱۳۸۸ش، ج ۱۷: ۲۰۵) و این حدیث حضرت علی (ع) بسیار پر معنا است که فرمود: وقتی والی و مباشر امورتان فوت کرد، مقدم بر هر کار، تعیین والی برای خودتان است (همان) و این گونه روایات و برخوردها امام (ع) بیانگر آن است که انتخاب حاکم از سوی مردم است و دین ورودی در این گونه امور ندارد.

## ۹. نقد و بررسی دیدگاه‌ها و دلایل مهندس بازرگان

دیدگاه بازرگان درباب رسالت و قلمرو دین در ابتدای انقلاب اسلامی با آنچه را در دوره تثبیت انقلاب و اواخر عمرشان ابراز داشته‌اند، متفاوت می‌نماید و در واقع «نگاه بازرگان به بحث جامعیت قرآن و دین را می‌توان به دو دوره از زندگی فکری ایشان اندیشه‌های دینی وی در دوره میان‌سالی و کهن‌سالی تفکیک کرد و هرچند نگرش ایشان در دوره میان‌سالی را می‌توان به رویکرد اجتماعی و سیاسی خاص به حکومت دینی و نگاه حداکثری از دین مرتبط دانست. در این دوره بازرگان به تلقی ایدئولوژیک از دین ملتزم بوده است» (پیروزمند، ۱۳۸۹: ۱۲۲) و در دوره متأخر به رویکرد حداقلی از دین روی آورد (خسروپناه، ۱۳۹۳: ۳: ۳۵). ایشان در بخش پایانی عمر او، به خاطر یک شکست سیاسی در عرصه حکومت دینی، این اندیشه را مطرح کرد؛ درحالی که در قبل از انقلاب، درست نقطه مقابل آن را می‌اندیشید و تبلیغ می‌کرد (سبحانی، ۱۳۸۳: ۳: ۱۸۴). چرا که نظر ایشان در ابتدای انقلاب اسلامی با آنچه را در دوره تثبیت انقلاب و اواخر عمرشان ابراز داشته‌اند، متفاوت می‌نماید و ندیدم که ایشان در دوران متأخر، اشاره‌ای به تغییر رویکرد یا اشتباه فهم خود داشته باشد و این دوگانگی در رأی را می‌توان به خاطر عدم تخصص یا تسلط وی بر منابع و مبانی اعتقادی اسلام دانست و شواهد آن را در نقد نظرات وی بیان می‌شود.

۲. دیدگاه مهندس بازرگان روشمندان و با بهره‌گیری از اصول تفسیری و هرمنوتیکی به دست نیامده است و کاملاً تحت تأثیر پیش‌داوری‌ها و آسیب‌های اجتماعی بوده است (خسروپناه، ۱۳۹۳: ۳: ۳۵)

۳. این که ایشان می‌گوید رسالت دین و قرآن فقط درحوزه آخرت و خدا و معنویت خلاصه می‌شود، با متون دینی و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و واقعیت‌های تاریخی قابل پذیرش نیست. در قرآن و روایات، مباحث مربوط به امور دنیوی، اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... فراوان وجود دارد؛ در قرآن حتی برای احکام و مناسک دینی نیز، اهداف دنیایی بیان شده است و حتی در بسیاری عبادت‌هایی که به ظاهر بیانگر رابطه فرد با خدا است نیز، جنبه‌های دنیایی و بهبود زندگی دنیوی مورد توجه قرار گرفته است.

چنان که درباره فواید کنگره عظیم حج می‌فرماید «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج/ ۲۷) و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند و آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَوْثَانَ الْفَقِيرِ» (حج/ ۲۸) تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بردام‌های زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند پس از آنها بخورید و به درملنده مستمند بخورانید. در این دو آیه غایت دنیایی و اخروی کنار هم آمده است و بلکه غایت دنیایی مقدم بر اخروی شده است (قاضی زاده، ۱۳۸۹ش: ۶۶).

قرآن در عرصه‌های اجتماعی نیز، یکی از اهداف ارسال رسولان الهی اقامه قسط بیان کرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ (حدید/ ۲۵) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است. اما این که بازرگان می‌گویند: آیه مردم را برای مبارزه با ظلم و اجرای عدالت بسیج نمی‌کند؛ بلکه مردم خود باید در اخلاق عامل به عدالت و قسط باشند، چند نکته قابل ذکر است: اولاً؛ چنین تعبیراتی لزوماً عموم مردم را متصدی اقامه قسط نمی‌شمارد؛ بلکه فقط از اصل وظیفه اجرای عدالت سخن می‌گوید. ثانیاً؛ اقامه عدل نیازمند متصدی خاصی از میان مردم است که این آیه به تعیین او نظری ندارد. ثالثاً؛ مفهوم قیام به قسط در این آیه و موارد مشابه به معنای رفتار عادلانه و مبتنی بر قسط و عدل است نه اجرای آن در امور اجتماعی (اسعدی، ۱۳۹۲ش: ۲۷۳) —چنان مقتضای بیان بازرگان نیز چنین معنایی بود— لذا فرمود «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی اینکه مردم در پرتو نقش رسول و ابزارهای همراه او، یعنی بینات، کتاب و میزان به قسط و رفتار عادلانه قائم شده و تحت امامت او در مسیر عدل حرکت کنند (همان).

رابعاً؛ بارزگان با بیان اینکه بر مبنای دلالت آیه، مردم خود باید در اخلاق عامل به عدالت و قسط باشند، عملاً پذیرفته‌اند که برپایی عدالت، مورد نظر وحی بوده و خداوند اراده کرده که عدالت در جامعه حاکم شود و این اراده تشریحی است (حامدنی، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۱-۱۵۲) خامساً؛ بر مبنای آیه خداوند پیامبران خود را بر مبارزه با ظلم و اقامه عدل فرستاده و ابزارها و شیوه اقامه عدالت را به آنان آموخته است و روشن است که خداوند کتاب، میزان، بینات، حدید و دانش به آنها را در اختیار پیامبران قرار داده است نه مردم و هرگز مردم نمی‌توانند مجری محتوای «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» در جامعه باشند و با توجه به محتوای آیه، ابزارها و روش‌های اجرای عدالت، آیه به دلالت التزامی بر وجود حاکمی مقتدر عادل و امامت الهی دلالت دارد.

قرآن در مورد استعانت از صبر و نماز هم، گره‌گشایی دنیوی جلوه می‌کند که فرمود «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵)؛ از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان. این سفارش‌ها می‌تواند ناظر به امور دنیوی هم باشد و موجب می‌شود که انسان در حوادث زندگی دنیوی خود را تنها احساس نکند و اگر انسان در مقابل مشکلات روحی و روانی و تضادهای اجتماعی صبور و مقاوم نباشد، براحتی به ناکامی و شکست تن می‌دهد.

در بعضی آیات نیز ثمرات دنیایی ایمان آوری مؤمنان را به عنوان یک قانون اجتماعی شرطی با تأکید بسیار مطرح کرده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/ ۹۶) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم و مانند آن (مانده/ ۶۶). بر اساس این آیات و غیر آنها، تعهد به ایمان، تقوا، نماز موجب می‌شود تا مناسبات اجتماعی در بین مردم شکل بگیرد و به رشد اجتماعی و اقتصادی و دنیایی برسند و در مقابل آن یکی از قوانین الهی حاکم بر جوامع بشری «قانون هلاکت» است که در صورت تحقق ظلم در جامعه بروز می‌کند و هر جامعه‌ای که صالح و نیکو کار باشند، مورد عذاب الهی واقع نمی‌شوند: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ» (هود/ ۱۱۷) و پروردگارتو [هرگز] بر آن نبوده است

که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرنند به ستم هلاک کند و قوانین اجتماعی از این دست در قرآن بسیار زیاد است که محتوای جامع آنها بیانگر وجود یک ساختار منظم حاکمیت بر جامعه در دنیا در قرآن کریم است.

۴. هرچند براساس آموزه‌های دینی، دنیا مقدمه آباد کردن آخرت است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۲۹) لیکن منافاتی ندارد که به جهت اهمیت و پیچیدگی‌های مقدمه (دنیا)، دین متکفل امور آن گردد. آیات متعددی از قرآن حاکی از این است که مقام و منصب حکومت، یکی از شئون پیامبر اسلام (ص) و برخی دیگر از آنان بوده است و حتی برخی موفق به تشکیل حکومت شدند و اجرای احکام الهی در جامعه بدون تشکیل حکومت و سیاست دینی امکان‌پذیر نیست و کاربرد واژه‌های اجتماعی و سیاسی در قرآن مانند؛ حکم، خلافت، امامت، امت، ملت، شورا، ملک، قبیله، قوم، عصبه، و... نشان از اهتمام قرآن به امور دنیا و حکومت و مسائل اجتماعی است چنان که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء/ ۵۴، ۶۵، ۵۹؛ احزاب/ ۶؛ یوسف/ ۵۶؛ ص/ ۲۰؛ نمل/ ۳۲؛ مائده/ ۲۰؛ بقره/ ۲۱۳-۲۱۴، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۸؛ حدید/ ۲۵).

۵. به حکم عقل روشن است که حکم و داوری در اختلافات مردم، برای رفع منازعات و جلوگیری از تعدی به حقوق افراد است و لازمه آن تشکیل حکومت است که حاکم با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارد، نظم و عدالت را در جامعه تحقق می‌بخشد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۴۱-۴۳). البته پرداختن به دنیا و امور دنیوی که موجب تعارض، فراموشی آخرت و خدا و یا به زیان آخرت شود، مورد نهی است (عارفی شیرداغی، ۱۳۸۷ش، ج ۱: ۱۶۴). بنابراین طرح موضوع خدا و آخرت که سرلوحه دعوت همه پیامبران بوده، منافاتی با دنیاداری و رتق و فتق امور دنیوی مردم ندارد؛ زیرا نه تنها مطلق پرداختن به دنیا مورد نکوهش دین و قرآن قرار نگرفته است که در مواردی نیز مورد تشویق قرار گرفته است. چنانکه قرآن از زبان سلیمان (ع) نعمت‌های دنیوی را از فضل خدا می‌شمارد: «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ...» (نمل/ ۴۰).

۶. جهان آخرت، ظرف ظهور و بروز و تجسم اعمال انسانها است: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق / ۹) و هر آنچه که انسان در این دنیا انجام دهد، در آنجا حاضر می‌بیند: «يَوْمَ تُجَدُّ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ نُحْضَرُهَا وَمَا عَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ زَوْفٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران / ۳۰) روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود و خداوند شما را از کیفر خود می‌ترساند و در عین حال خدا به بندگان خود مهربان است.

در حقیقت انسان بر مبنای عقاید، افکار، گرایش‌ها، اعمال و رفتارهای خود، ماهیت و حقیقت خود را می‌سازد که درک این مسئله مهم، در این عالم ممکن نیست تا این که همه حقایق در آخرت متجلی می‌شود؛ با این وصف چگونه می‌توان پذیرفت که دین و انبیا، در هويت بخشیدن به انسان‌ها که در سایه پرداختن به امور دنیای مردم است، تکلیفی نداشته‌اند! اگر رفتارهای انسان تا این اندازه در سرنوشت او اثر دارد و از کوچکترین عملی فرو گذار نمی‌شود و این امر مختص به عرصه‌ای خاص و شأنی از شؤون زندگی وی نیست، او باید بداند چگونه عمل کند تا در ارائه حیات مستمر خود گرفتار نشود و لازم است در طی بایدها و نبایدها به اعمالی که در نشأه آخرت، دارای بروز ارزشمندی است، پی ببرد. او به معلم و هدایت کننده‌ای نیاز دارد تا او را از جهلی که نسبت به ظهورات اخروی اثر دارد خارج کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۵۸).

۷. دین و فطرت هر دو از پدیده‌های الهی می‌باشند و اساس دین نیز فطری می‌باشد. و علاوه بر دلایل نقلی، به لحاظ عقلی هم، کمال هماهنگی و پیوند بین آن دو وجود دارد چرا که ناسازگاری در افعال مختلف آفریدگار دانا، توانا و حکیم محال و نشدنی است و مقتضای فطرت آدمی و فطری بودن دین الهی این است که دین از جامعیت برخوردار باشد و انسان را در همه ابعاد وجودی و نیازهای طبیعی و فطری، هدایت کند. دستگاه وجودی انسان مانند دیگر موجودات، بیانگر هدفدار بودن انسان است که رسیدن به هدف، بدون راه و روشی مناسب و ابزارها و استعدادها لازم، شدنی نیست (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹ش: ۱۹-۲۰).

## ۱۰. حکومت و سیاست قلمرو جامعیت اعتدالی قرآن

این که مهندس بازرگان می‌گوید حکومت و سیاست در قرآن جزو رسالت پیامبران قرار نگرفته است و اصولاً دین کاری به حکومت ندارد، بیانگر نگاه وی به جامعیت حداقلی است. اشتباه بازرگان این است که فلسفه پیدایش حکومت را وجود ظلم و ظالم، میل به تجاوز، نقض عهد و انواع خیانت‌ها می‌داند و حاکم اسلامی وظیفه‌ای جز تأمین نظم و امنیت ندارد (بازرگان، ۱۳۷۷ ش: ۸۳)؛ درحالی که نظم و امنیت و اجرای عدالت یکی از وظایف حکومت است و در کنار ده‌ها رسالت حکومت، تأمین سعادت انسان‌ها نیز از وظیفه اساسی حاکمان اسلامی است. چنان که حضرت علی (ع) وجود امارت را از ضروریات جامعه انسانی می‌داند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ يَرَى أَوْ فَا جِرٍ...» (سید رضی، ۱۳۹۰ ش، خ ۴۰: ۷۶) و دلایلی از آیات و روایات و سیره عملی و تاریخی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بر این معنا بسیار فراوان است. حضرت علی (ع) حکومت را حق خود می‌دانست و در جاهای مختلفی بر الهی بودن آن تأکید نموده‌اند. حضرت (ع) در ابتدا برای رسیدن به حق خود تلاش کرد و از سوی عده‌ای متهم به حرص و طمع شد و می‌فرماید: اگر از حقوق از دست رفته و مقام و منزلت خود بگویم، می‌گویند علی بر حکومت حرص ورزیده و اگر خاموش باشم، گویند از مرگ می‌ترسد (سید رضی، ۱۳۹۰ ش: خ ۵: ۲۶؛ خ ۱۷۲: ۳۶۸). و درجایی برای گرفتن حق خود از صحابه طلب یاری می‌کند و یا از غضب شدن حق خود شکایت می‌کند. (سید رضی، ۱۳۹۰ ش: خ ۶، ص ۲۶).

در این مجال نمونه‌هایی از آیات قرآن در موضوعات مختلف زندگی مردم از جمله مسئله سیاست و حکومت در ابعاد مختلف زندگی ذکر می‌گردد تا روشن شود که اهتمام دین و قرآن در شؤون و امور گوناگون زندگی انسانها تا چه میزان است:

۱. دعوت به یکتاپرستی و نهی از اطاعت و پرستش طاغوت: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنْ اعبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) و درحقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت فریگیر بهره‌یزید.

۲. بشارت و انذار برای اتمام حجت بر بشر. چنان که می‌فرماید: «رُسلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء / ۱۶۵). پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده

بودند تا برای مردم پس از فرستادن پیامبران در مقابل خدا بهانه و حجتی نباشد یا «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/ ۲۱۳)؛ مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

۳. داوری در اختلافات با ارائه امکانات و ابزارهای لازم، چنانکه خدای تعالی فرمود: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/ ۲۱۳) مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

۴. تشکیل جامعه مبتنی بر قسط و عدل: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (حدید/ ۲۵) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم.

۵. تزکیه و تعلیم با تعیین رهبران آسمانی و راهنمایان دلسوز: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران/ ۱۶۴). به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۶. امر به معروف و نهی از منکر در سایه رهبری رسولی الهی: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِسُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/ ۱۵۷)؛ همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار

ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی‌دارد.

۷. اتمام حجت بر بشر: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/۱۶۵)؛ و پیامبرانی [را فرستادیم] که درحقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت.

۸. تأسیس حکومت صالح جهت تحقق بخشیدن آرمانهای الهی و نیز به فرمانروایی و مطاع بودن پیامبر اکرم (ص) در آیات گوناگونی تصریح شده است و شامل دستورات و احکام شرعی مرتبط با مقام نبوت و رسالت و احکام قضایی و حکومتی مرتبط با مقام امامت حضرت (ص) می‌شود و از اطلاق برخوردار است. چنان که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء / ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

یا فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / ۵۵) خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

در این آیه به وعده قطعی الهی مبنی بر خلافت مؤمنان صالح در آینده تاریخ و حکومتی سرشار از قدرت و امنیت و دینداری تصریح شده است و درباره حضرت یوسف

می‌فرماید: «وَكذلك مَكِّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (يوسف / ۵۶) و بدین گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم که در آن هر جا که می‌خواست سکونت می‌کرد هر که را بخواهیم به رحمت خود می‌رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی‌سازیم.

«يا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص / ۲۶) ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن. در این آیه نیز از خلافت حضرت داود (ع) برای حاکمیت عادلانه در میان مردم از سوی خدا یاد شده است. این آیات به وضوح دلالت دارند که مسئله حکومت و تصدی امور جامعه یکی از شئون اصلی پیامبران الهی بوده است. این آیات و ده‌ها آیه دیگری که هر کدام بخشی از محورهای ارتباطی چهارگانه انسان با خداوند و دیگران و خود و جهان هستی را بیان می‌کند یا به بیان ویژگی‌های انسان و مسائل مختلف زندگی آنان پرداخته است و به روشنی بر جامعیت قرآن دلالت دارند و چگونه این آیات با این دلالت‌های روشنی که در امور زندگی مردم دارد و برای آنها منشأ اثر است، را از جامعیت قرآن جدا بدانیم.

## نتیجه

از منظر قرآن کریم دین به عنوان پدیده‌ای تشریحی و فطرت پدیده‌ای تکوینی در کمال هماهنگی و تفاهم با یکدیگرند و لازمه آن جامعیت قرآن و دخالت آن در همه شئون زندگی بشر اعم از اخروی و دنیوی است و بین دنیا و آخرت ارتباط مستحکمی وجود دارد و حکومت و سیاست و تصدی امور مردم، یکی از شئون اساسی پیامبران است و از سویی آیات قرآن به گونه‌های مختلف بر جامعیت دلالت دارند، روشن‌ترین آنها آیاتی است که اهداف و رسالت پیامبران الهی را بیان کرده و آیاتی که به سرگذشت برخی پیامبران اشاره دارد و در مجموع، محورهای اصلی دعوت پیامبران عبارت است از؛ یک) هدایت و راهنمایی انسان در رابطه او با آفریدگار جهان. دو) هدایت بشر در رابطه او با هستی خویش. سه) راهنمایی انسان در رابطه او با جهان هستی. چهار) هدایت بشر در رابطه او با انسانهای دیگر؛ معلوم است که حیات انسان که از دو بعد مادی و معنوی (جسمی و روحی) تشکیل شده و هر یک از این دو بعد، ویژگی‌ها و نیازهای خاصی دارند، نیازهای عقلانی و اخلاقی از قبیل؛ عدالت، راستی، معرفت و... نیازهای طبیعی و غریزی از قبیل؛ خوراک، پوشاک، مسکن و... نیازهای عاطفی و احساسی از قبیل؛ انس و الفت، محبت، دوستی، تعاون و همکاری و... دین و قرآن اجابت‌کننده همه نیازهای بشری بوده و در همه حوزه‌های معرفتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی دارای مکتب و سیستم منسجم و منظمی است. محورها و مسائل یاد شده به وضوح از آیات قرآن به دست می‌آید و بر کسی که با آیات و مفاهیم قرآنی آشنا باشد، پوشیده نیست.

## منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۰ش) معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، چاپ اول، تهران: نشر طرح نو.
- ۳) آشوری، داریوش، (۱۳۷۸ش). **دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)**. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مروارید.
- ۴) آمدی التمیمی، عبدالواحد، (۱۴۰۷ق). **غررالحکم و دررالکلم**. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ۵) ایازی، سید محمد علی، (ش ۱۳۸۰ش). **جامعیت قرآن**. چاپ سوم، رشت: انتشارات کتاب مبین.
- ۶) اسعدی، محمد، (ش ۱۳۹۲ش). **ولایت و امامت: پژوهش‌های منظر قرآن**. چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۷) یازرگان، مهدی، (۱۳۷۷ش). **آخرت و خدا هدف بعثت انبیا**. چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رساء.
- ۸) ----- (۱۳۸۸ش). **مجموعه آثار بعثت (۲)**. چاپ اول، تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپخانه حیدری.
- ۹) ----- (۱۳۴۱ش). **مرز میان دین و امور اجتماعی**. چاپ اول، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار، متن سخنرانی تاریخ ۱۳۴۱/۶/۲۱.
- ۱۰) ----- (۱۳۴۳ش). **مذهب در اروپا**. تبریز: انتشارات سروش.
- ۱۱) ----- (۱۳۸۹ش). **بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (مجموعه مقالات)**. بی‌جا: نشر شرکت انتشار.
- ۱۲) پیروزمند، علیرضا، (۱۳۸۹ش). **قلمرو دین**. چاپ اول، تهران: نشر عابد.
- ۱۳) حامد نیا، رسول، (۱۳۸۴ش). **دولت یار: نقد و بررسی کتاب آخرت و خدا هدف بعثت انبیا**. چاپ اول، تهران: چاپخانه صدف، دفتر نشر معارف.
- ۱۴) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش). **دین شناسی**. تحقیق و تنظیم: محمدرضا مصطفی پور، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۵) ----- (۱۳۸۷ش). **نسبت دین و دنیا**. تحقیق و تنظیم: علیرضا روغنی موفق، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۶) حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳ش). **انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه**. بی‌جا: چاپ الف لام میم.
- ۱۷) حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. چاپ سوم، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ۱۸) دهخدا، علی اکبر، (بی‌تا). **لغتنامه دهخدا**. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.

- (۱۹) دهخدا. (۱۳۴۶ش). **لغتنامه دهخدا**. زیر نظر دکتر محمد معین. جلد ۲۶. تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- (۲۰) راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۳۹۰ش). **المفردات فی غریب القرآن**. ترجمه حسین خداپرست. چاپ چهارم. قم: انتشارات نوید اسلام.
- (۲۱) ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۷۷ش). **دین و دولت**. چاپ اول. قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- (۲۲) ----- (۱۳۹۴ش). **چیستی و چرایی ختم نبوت**. چاپ دوم. قم: نشر آوای منجی، تهیه و تدوین دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- (۲۳) کریمی، مصطفی. (۱۳۸۵). **قرآن و قلمرو شناسی دین**. چاپ دوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- (۲۴) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش). **اصول کافی**. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ چهارم. بی‌جا: دار الکتب الاسلامیه.
- (۲۵) سید رضی. (۱۳۹۲ش). **نهج البلاغه**. ترجمه علی شیروانی. چاپ سوم. قم: دفتر نشر معارف.
- (۲۶) سیوطی، جلال الدین. (بی‌تا). **الاتقان فی علوم القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
- (۲۷) شیروانی، علی و همکاران. (۱۳۹۵ش). **مباحثی در کلام جدید**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سبحان.
- (۲۸) طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ سوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- (۲۹) طبری، محمدجریب. (۱۴۲۰ق). **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**. بیروت: دار ابن کثیر.
- (۳۰) طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). **تهذیب الاحکام**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۳۱) فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۲۵ش). **المصباح المنیر**. چاپ سوم. ایران: نشر مؤسسه دارالهجره.
- (۳۲) مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۹ش). **نقدی بر قرائت رسمی از دین**. چاپ اول. تهران: نشر طرح نو.
- (۳۳) ----- (۱۳۷۶ش). **ایمان و آزادی**. چاپ اول. تهران: چاپخانه قیام.
- (۳۴) مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۳۵) مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۲ق). **بحار الانوار الجامعة الدرر الاخبار الائمة الاطهار**. بیروت: دار الوفاء.
- (۳۶) محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ق). **میزان الحکمه**. چاپ اول. قم: دارالحدیث.
- (۳۷) معین، محمد. (۱۳۷۵ش). **فرهنگ فارسی**. چاپ دهم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- (۳۸) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۷ش). **آموزش عقاید**. چاپ هفدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۳۹) مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). **اوائل المقالات**. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۴۰) نعمانی، ابی زینب، محمد بن ابراهیم بن جعفر. (۱۳۷۶ش). **غیبت نعمانی**. ترجمه محمد جواد غفاری. تهران: نشر صدوق چاپ نوبهار.

## References

1. Holy Quran.
2. Abu Zayd, Nasr Hamid, (2010) Meaning of the Text, translated by Morteza Kariminia. First Edition. Tehran: Tarh Nov Publications.
3. Ashuri, Dariush. (1378). Political encyclopedia (dictionary of terms and political schools). Fifth Edition. Tehran: Morvarid Publications.
4. Amedi Al-Tamimi, Abdul Wahid. (1407 AH). Ghurar al-Hikam and Durar al-Kalim. Beirut: Al-Ilmi Institute.
5. Ayyazi, Seyyed Mohammad Ali. (2013) The completeness of the Qur'an. Third edition. Rasht: Mobin Book Publications.
6. Asadi, Mohammad. (2013) Wilayat and Imamah: a study from the perspective of the Qur'an. First Edition. Qom: Publishing House and University Research Center.
7. Bazargan, Mehdi. (1377). Hereafter and God is the Purpose of Sending Prophets. First Edition. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
8. ----- (2018). Collection of works of Bi'that (2). First Edition. Tehran: Publishing Company. Heydari printing house.
9. ----- (1341). The border between religion and social affairs. First edition, Tehran: Publishing Company. The text of the speech dated 6/21/1341.
10. ----- (1343). Religion in Europe. Tabriz: Soroush Publications.
11. ----- (1389). A discussion about authority and clergy (collection of articles). No Place: publishing company.
12. Pirouzmand, Alireza. (1389). The realm of religion. First Edition. Tehran: Abid Publishing.
13. Hamednia, Rasul. (2014). Dowlat Yar: Criticism of the book of the Hereafter and God, the purpose of sending the prophets. First Edition. Tehran: Sadaf Printing House. Education Publishing Office.
14. Javadi Amoli, Abdullah. (1378). Theology. Research and editing: Mohammadreza Mostafapour. Fifth Edition. Qom: Esra Publishing Center.
15. ----- (2017). The relationship between religion and the world. Research and editing: Alireza Roghani Movaffaq. Fifth Edition. Qom: Esra Publishing Center.
16. Hassanzadeh Amoli, Hassan. (2013). A perfect human being from the perspective of Nahj al-Balagha. No Place: Lam Meem printing house.
17. Al-Hur Al-Amili, Muhammad bin Hasan. (1416 AH). Tafsil Wasail Al-Shia ila Tahsil Masail Al-Shari'a. Third edition. Qom: Research and publication of Al-Al-Bayt Institute (A.S.).
18. Dekhoda, Ali Akbar. (Beta). Dekhoda dictionary. Tehran: Dekhoda Dictionary Institute.
19. Dekhoda (1346). Dekhoda dictionary. Under the supervision of Dr. Mohammad Moeen. Volume 26. Tehran: Faculty of Literature, University of Tehran.
20. Raghیب Al-Isfahani, Hassan bin Mohammad. (1390). Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, translated by Hossein Khodaparast. Fourth edition. Qom: Navid Islam Publications.
21. Rabbani Golpayegani, Ali. (1377). Religion and government. First Edition. Qom: Publication of Farhang and Andisheh Research Center.
22. ----- (2014). Chisti va Cherai Khatm Nobovvat, second edition. Qom: Avaye Monji publishing house, preparation and editing of Daftar Tablighat of Hawzah.
23. Karimi, Mustafa. (1385). The Qur'an and the territoriality of religion. Second edition. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute.

24. Al-Kulaini, Abu Jafar Muhammad bin Yaqub. (1365). Usul al-Kafi. Researcher: Ali Akbar Ghafari. Fourth edition. No Place: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
25. Seyyed Razi. (2012). Nahj al-Balagha. Translated by Ali Shirvani. Third edition. Qom: Education publishing office.
26. Siyuti, Jalaluddin. Al-Itqan fi Uloum al-Qur'an. Beirut: Dar al-Marifah.
27. Shirvani, Ali et al. (2016). Discussions in the new word. Qom: Seminary and University Research Institute. Subhan print.
28. Tabatabai, Mohammad Hossein. (2013). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Third edition. Qom: Ismailian Foundation.
29. Tabari, Mohammad Jarir. (1420 AH). Jami al-Bayan an Tawil Ay al-Qur'an. Beirut: Dar Ibn Kathir.
30. Tousi, Muhammad bin Hassan. (1365). Tahzhib al-Ahkam. Fourth edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
31. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (1425). Al-Misbah Al-Munir. Third edition. Iran: Dar al-Hijrah Publishing House.
32. Mujtahid Shabastri, Mohammad. (1379). A critique on the official reading of religion. First Edition. Tehran: Tarh Nov.
33. -----.(1376), Faith and Freedom. First Edition. Tehran: Qiyam Printing House.
34. Majlisi, Mohammad Baqir. (1403 AH). Bihar Al-Anwar Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
35. Majlisi, Mohammad Baqir. (1412 AH). Bihar al-Anwar Al-Jamia li-Durar al-Akhbar al-Aimmah al-Athar. Beirut: Dar Al-Wafa.
36. Mohammadi Rayshahri, Mohammad. (1416 AH). Mizan al-Hikmah. First Edition. Qom: Dar al-Hadith.
37. Moin, Mohammad. (1375). Persian Dictionary. Tenth edition, Tehran: Amir Kabir Publishing House.
38. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (1377). Teaching the beliefs. 17th edition. Tehran: Islamic Propaganda Organization Publishing Company.
39. Mofid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man. (1413 AH). Awail al-Maqalat. First edition. Qom: Congress of Millanium of Al-Sheikh Al-Mufid.
40. Numani, Abi Zainab, Muhammad bin Ibrahim bin Jafar. (1376). Ghaibat al-Numani, translated by Muhammad Javad Ghafari. Tehran: Nobahar Publishing House.